

نگرش کلی نظریه سیستم‌ها بر نقش مدیریتی امام خمینی در دوران جنگ تحمیلی

سید صارم صدرايي^۱

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی تأثیر نقش امام خمینی (ره) بر ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در دوران هشت ساله جنگ ایران و عراق می‌باشد. همچنین، پی بردن به چگونگی تأثیرگذاری نقش رهبری بویژه پس از فتح خرمشهر، در شکل‌گیری ثبات سیاسی از اهداف این پژوهش می‌باشد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که پس از پیروزی انقلاب با وجود نهادهایی چون؛ بسیج و مسجد، ارزش‌های پدید آمده از انقلاب برای حفظ ثبات و کیان نظام جمهوری اسلامی در بین نسل جوان که در حد بالایی سیاسی شده بودند، مستقر و گسترش یافت و بدین ترتیب قدرت جدیدی در ایران ظهور کرد و آن قدرت عبارت بود از «اراده مردمی» و «نیروی مردمی». قدرتی که مبتنی بر مؤلفه‌های دینی و رهبری امام خمینی به وجود آمده بود و امام با کمک این عنصر توانست ثبات سیاسی کشور را حفظ نماید. در این نوشتار از روش کتابخانه‌ای استفاده شده و سعی بر آن است با به کارگیری از مستندات اینترنتی در راستای هدف پژوهش گام برداشته شود و تلاش شده تا در ابتدا به بیان مفهوم نظریه سیستم‌ها پرداخته و در ادامه چيستی و علل ظهور بحران جنگ را مطرح ساخته و در انتها نقش رهبری را در برقراری ثبات سیاسی در دوره جنگ ایران و عراق به روش نظریه سیستم‌ها مورد کندوکاو قرار گیرد.

واژگان کلیدی: امام خمینی، جنگ تحمیلی، ثبات سیاسی، نظریه سیستم‌ها.

^۱ کارشناسی ارشد روابط بین الملل

مقدمه

در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) در کشور ایران به وقوع پیوست که باعث ساقط شدن رژیم سلطنتی پهلوی گشت. به دلیل اینکه رهبران انقلاب‌های بزرگ دنیا افراد جوان، کم سن و سال و لبریز از شور جوانی بودند این موضوع امام را یک استثنا در بین رهبران انقلاب-ها قرار داده است؛ امام خمینی به دلیل سن بالا و پختگی که داشتند توانسته بودند بیشتر بر مردم تأثیر بگذارند و باتوجه به جنبه‌های اعتقادی و شخصیتی که از اسلام کسب کرده بودند و با بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی، متأثر از آموزه‌های دینی و با کمک‌گیری از تجربیات تاریخی خود توانستند این انقلاب را به سر منزل مقصود برسانند. یکی از مواردی که امام خمینی بر آن تأکید داشتند صدور انقلاب اسلامی به کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و حمایت از مردمان بی‌دفاعی که در سلطه دولت‌های ظالم قرار گرفته‌اند بود. در آن دوران برخی از جریان‌های سیاسی به طرح اندیشه صدور انقلاب اسلامی مخالفت نمودند اما امام قاطعانه فرمودند: «ما انقلابمان را به تمام جهان صادر می‌کنیم» (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۴۸) این رویکرد رهبر کبیر انقلاب موجب آن شد که کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ دنیا تهدیدی را علیه خود حس کنند و در برابر ایران موضع‌گیری کرده و دست به رفتار خصمانه بزنند.

از سوی دیگر برتری‌طلبی برخی از رهبران این کشورها و مناسب دیدن فرصت برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران به منظور اختلافات تاریخی، سرزمینی و هویتی بستر را برای ایجاد یک پیمان نانوشته علیه جمهوری اسلامی

ایران فراهم نمود و با حمایت‌های مالی، نظامی و حقوقی که از رژیم بعثی عراق کردند باعث شدند تا جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۵۹ با تجاوز عراق آغاز شود. با شروع جنگ ایران و عراق نظر پژوهشگران و صاحب‌نظران به این پدیده چنین بود که یک بحرانی جدید وارد کالبد جمهوری اسلامی ایران شده است که ثبات سیاسی را به شدت کاهش داده و ناامنی را در کشور افزایش داده است. این بحران تبعات اقتصادی، سیاسی و جانی زیادی برای دو کشور به خصوص جمهوری اسلامی ایران داشته است.

در آن دوران رژیم بعث عراق با هدفی از پیش تعیین شده و حمایت قدرت‌های بزرگ و متحدان منطقه‌ای خود دست به جنایات جنگی بسیاری زد و با تمام توان تلاش کرد تا با کشتار بیرحمانه و جوسازی‌ها و تبلیغات رسانه‌ای روحیه مردم ایران را تخریب نماید. اما در آن دوران نقش رهبری امام خمینی (ره) در برانگیختگی حس دفاع از کشور، حضور پرشور مردم در صحنه سیاسی، تغییر توان نظامی ایران از حالت دفاعی به تهاجمی و شکل‌گیری نهادهای سیاسی، نظامی و فرهنگی در ثبات سیاسی ایران در دوره بعد از فتح خرمشهر نقش بسیار مهمی داشته است و با بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی، دینی و همچنین به دلیل تجربیات تاریخی و آگاهی که به واسطه سن بالای خود داشتند نه تنها رهبری مردم را در دست داشتند بلکه ایشان توانستند با مدیریت حساب شده در طول ۸ سال جنگ، بحران را کنترل کرده و به آن در سال ۱۳۶۷ خاتمه دهند.

هدف اصلی در این نوشتار بررسی تأثیر نقش امام خمینی بر ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران در دوران جنگ تحمیلی می‌باشد. سوال اصلی در این نوشتار این است که



تطبيق و سازگاری آن با نظام بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی (داخلی) است؛ یعنی می‌توان دنیا یا منطقه‌ای از آن را «نظام یا سیستم» تصور کرد.

هر سیستم یا نظام دارای سه عنصر اساسی نهاده (درون‌داده)، داده (برون‌داده یا ستاده) و بازخور می‌باشد که در کنار عنصر دیگری به نام محیط (داخلی و خارجی) باهم ارتباط و تعامل دارند. (البته در یک سیستم ورودی‌ها می‌تواند خودش خروجی سیستم دیگر باشد که احتمال دارد

به سیستم ما وارد شود یا بخشی از خروجی قبلی همین سیستم باشد و در پردازش درون‌داد یا نهاده به برون‌داد یا داده و ستاده روند می‌تواند مشخص یا نامشخص باشد و حتی خروجی می‌تواند بوسیله سیستم دیگر مستقیم مصرف شود یا در مرحله بعد همان سیستم بکار آید و در نهایت هدف همه سیستم‌ها حداکثر کردن همین خروجی باشد) (پالمر، ۱۳۷۲: ۲۳-۳۰)، روند ورود و خروج و پردازش در هر سیستم می‌تواند بطور متوالی و پیوسته استمرار داشته باشد.

حال با استفاده از این نظریه تلاش می‌نماییم تا بیان کنیم که یک بحران به نام جنگ ایران و عراق به عنوان ورودی وارد سیستم می‌شود. این سیستم کشور ایران می‌باشد که به علل ضعف و بی‌ثباتی داخلی شرایط برای ورود این بحران در این سیستم مساعد گشت. با ورود این بحران، سیستم تلاش می‌نماید تا برای مقابله با این آشوب و بی‌ثباتی در کشور واکنشی نشان دهد. در این هنگام ساختار داخلی و تصمیم‌گیرندگان با ارزیابی داده و بررسی دقیق بحران و داشته‌های خود تصمیم‌گیری می‌نمایند تا با کمک گرفتن از این عامل بی‌ثبات‌ساز، ثبات کشور را حفظ نمایند

چگونه نقش رهبریت امام خمینی عامل ثبات سیاسی در کشور جمهوری اسلامی ایران شد. که استدلال نمودیم رهبری و شخصیت والای امام خمینی در برانگیختگی حس دفاع از کشور، حضور قدرتمند مردم در صحنه سیاسی، تغییر توان نظامی ایران از حالت دفاعی به تهاجمی و شکل‌گیری نهادهای سیاسی-نظامی در ثبات سیاسی ایران نقش داشته است.

چارچوب نظری

در این پژوهش ما از نظریه سیستم‌ها استفاده می‌نماییم. نظریه‌ی سیستم‌ها، نظریه‌ای جامع و کل‌نگر است و بر رشد و تکامل و کنترل و ارتباطات تأکید دارد. نظریه‌ی سیستم، ابتدا در زیست‌شناسی شروع شده و بیولوژیست‌ها چرخه‌های حیات در میان موجودات زنده را به «سیستم» تشبیه کردند، بعد به علوم رفتاری کشیده شد و علمای علوم اجتماعی انسان و جامعه را به صورت یک سیستم به تصویر در آوردند و در نهایت در علم سیاست و روابط بین‌الملل مطرح گردید و نظریه‌پردازان بین‌المللی نیز مجموعه دولت‌ها و سایر بازیگران را به مثابه سیستم در نظر می‌گیرند. و در روابط بین‌الملل می‌توان گفت: «نظام بین‌المللی مجموعه‌ای از واحدهای سیاسی مستقل (دولت‌ها) است که همواره در تعامل با یکدیگر به سر می‌برند» (قوام، ۱۳۷۰: ۳۴). یکی از ویژگی‌های سیستم می‌تواند بهم پیوستگی و وابستگی اجزاء، عناصر و رخدادها برای حفظ تعادل یا دستیابی به سطح تعادل نوین باشد. ویژگی دیگر آن کل-گرای، هدف‌جویی ورودی‌ها و خروجی‌ها و تبدیل آنها به یکدیگر می‌باشد. از ویژگی‌های برجسته‌ی این نظریه،

بود که سال‌های متمادی آن را دنبال می‌کرد. عراق از ابعاد گوناگون جمعیتی، اقتصادی و نظامی توان بالقوه لازم را برای تبدیل شدن به قدرت برتر در منطقه و جانشینی مصر که یک کشور عربی پیشرو به شمار می‌رفت، برخوردار بود.

دو عامل دیگری وجود داشت که دست به دست هم داده بود و زمینه بروز جنگ را بیش‌تر فراهم می‌کرد و هزینه‌های احتمالی شکست عراق در توسل به زور را افزایش می‌داد. اولین عامل، تصور ضعف نظامی ایران و خلأ قدرت ناشی از این ضعف در منطقه خلیج فارس بود. ارتش ایران که در حکومت انقلابی این کشور ماهیتی سیاسی یافته بود، تحت تأثیر پاکسازی‌ها، سازمان‌دهی مجدد، ترک خدمت تعدادی از پرسنل و قطع کمک‌های تسلیحاتی آمریکا، تا حد بسیاری ضعیف شده بود. دومین عامل اینکه عراق از قدرت نظامی ایران و توان بالقوه نظامی خود در مقایسه با آن، تصمیم حکومت امام خمینی برای ادامه جنگ با وجود شکست‌های اولیه و تأثیر جنگ بر جامعه و سیاست ایران، برداشت نادرستی داشت. این برداشت نادرست نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری صدام داشت و اگر برآوردها دقیق و درست انجام می‌شد، احتمال بسیار اندکی وجود داشت که صدام جنگ را آغاز کند. در کل می‌توان گفت علت جنگ ایران و عراق: الف- کدورت و اختلاف بین رهبران ۲ کشور (رهبر کبیر انقلاب و صدام حسین)؛ ب- جاه‌طلبی سیاسی؛ ج- اختلاف مرزی؛ د- اختلاف ایدئولوژی و ... بوده است.

۲- شرایط سیستم و علت ورود بحران

و خروجی این پردازش ثبات سیاسی کشور باشد. طبق یافته‌های پژوهش این عمل با هدایت و رهبری امام خمینی در آن دوران شکل گرفت. ایشان با تأثیرگذاری‌شان توانستند با ایجاد حرکت مردمی و انسجام در کشور از این آشوب برای ایجاد ثبات سیاسی استفاده کنند و کشور را از این بحران خارج کنند.

جنگ ایران و عراق از منظر نظریه سیستم‌ها

۱- چپستی بحران (شرایط ایران از پیروزی انقلاب تا شروع جنگ)

بحران در این پژوهش همان جنگ تحمیلی ایران و عراق می‌باشد. جنگ عراق با ایران که در ایران با نام جنگ تحمیلی یا دفاع مقدس و در زمان صدام در عراق با نام قادسیه صدام شناخته می‌شد، طولانی‌ترین جنگ متعارف در قرن بیستم میلادی و دومین جنگ طولانی این قرن پس از جنگ ویتنام بود که نزدیک به هشت سال به طول انجامید. جنگ ایران و عراق از لحاظ استراتژیک یکی از مهم‌ترین برخوردهای نظامی دوران معاصر بود، که منافع تقریباً همه کشورهای جهان را بدون استثنا تهدید کرد و تأثیر مستقیم آن بر کشورهایی وارد شد که بیشترین ذخایر نفتی جهان را داشتند. در طول جنگ ثابت شد که پیروزی هر یک از دو کشور ایران یا عراق موجب برهم‌خوردن ثبات و توازن قوا در منطقه خواهد شد به همین دلیل ابرقدرت‌ها کوشیدند تا هیچ‌کدام از این دو کشور پیروز نشوند و هر دو را با زخم‌هایی عمیق و طولانی رها کنند. از دلایل جنگ ایران و عراق می‌توان اینطور بیان نمود که یکی از اهداف مهم صدام کسب جایگاه برتر در خلیج فارس و جوامع عربی



الف) شرایط سیاسی ج.ا.ایران

یکی از پیامدهای انقلاب اسلامی ایران بعد از پیروزی آن، اختلافات داخلی کشور بوده است در عین حال دولت انقلابی تحت نظارت شورای انقلاب، تأسیس نهادهای انقلابی، نهادینه شدن فعالیت‌های مردمی در سیاست و حکومت و تدوین قانون اساسی به نظام کشور شکل می‌داد. اگرچه پیشبرد انقلاب با چالش بسیار روبرو بود زیرا هم حفظ انقلاب اهمیت بسزایی داشت و هم تأسیس یک نظام جدید مدنظر بود. دولت موقت و شورای انقلاب اسلامی دو قطب قدرت در کشور بودند که برای به جلو بردن انقلاب نگرش مختلف داشتند. باتوجه به ساختار هر کدام می‌توان پی برد که دولت موقت (دولت بازرگان) در پی بوروکراتیک معمول اداری بوده و فقط توانست انتخابات خبرگان قانون اساسی و همه‌پرسی جمهوری اسلامی ایران را به پایان برساند ولی حتی در تثبیت موقعیت خود تا انتخابات ریاست جمهوری موفق نبود و این نگرش در حفظ قدرت خود دوامی نداشت و دولت کناره‌گیری کرد. در مقابل شورای انقلاب با همراه کردن نیاز انقلاب و ملاحظات سازمانی (تأسیس کمیته انقلاب) و نگرش انقلاب محوری امور را در دست گرفت. به گفته شهید بهشتی: «ما معتقد بودیم که در داخل مملکت باید خارج از فرم بوروکراتیک عمل کرد، اما بازرگان عجیب تکیه داشتند روی اینکه همه کارها باید در کانال بوروکراتیک پیش برود. به همین دلیل، ما خیلی ضربه خوردیم ... ما معتقدیم که این ملت، امروز به کارهای بنیادی و ضربتی احتیاج دارد» (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۸: ۲). این قطب‌بندی سیاسی در اوایل انقلاب به نهاد-های سیاسی تبدیل شد و بعد تسخیر سفارت آمریکا در

ایران در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و کناره‌گیری دولت بازرگان تقابل این دو نگرش خاتمه یافت.

ب) شرایط اقتصادی ج.ا.ایران

رکود حاکم بر اقتصاد کشور، که از نیمه دوم سال ۱۳۵۶ شروع شده بود پس از سرنگونی نظام شاهنشاهی با مشکلاتی دیگر مانند مسدود شدن ذخایر ارزی کشور و تحریم اقتصادی همراه شد و اقتصاد کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرد (امینی، ۱۳۸۸: ۲۲). وجه مشخص سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی پس از انقلاب، دولت-گرایی بود که نه تنها بانک‌ها، بیمه‌ها و تعداد زیادی از صنایع بزرگ و متوسط به مالکیت دولت درآمد بلکه بازرگانی خارجی نیز دولتی شد و حتی سخن از دولتی کردن بازرگانی داخلی نیز به میان آمد. جنگ نیز آثار مهمی بر سیاست اقتصادی داشت و باعث اولویت‌بندی واردات، جیره‌بندی کالاها و اتخاذ سیاست‌های پولی و تورمی و پایین نگه داشتن بهای تعداد نسبتاً زیادی از کالاها و خدمات گردید (کردزاده کرمانی، ۱۳۸۰: ۸۴). پس از انقلاب اگرچه تولید نفت به شدت کاهش یافت، لکن در سال ۱۳۵۸ به طور متوسط ۳/۸۸ میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌شد. لکن با محاصره انقلاب اسلامی در نیمه اول سال ۱۳۵۹ و نیز تحمیل جنگ در نیمه دوم این سال، تولید نفت به ۱/۷ و سپس به ۱/۲ میلیون بشکه کاهش یافت و در سال ۱۳۶۰ به ۱/۴۴ میلیون بشکه رسید. درآمدهای نفتی نیز به شدت کاهش یافت و این علیرغم این موضوع بود که قیمت‌های نفت به دلیل شوک دوم نفتی به شدت افزایش یافته بود. درآمد نفتی که در سال ۱۳۵۸ به ۱۹/۳ میلیارد دلار رسید در سال ۵۹ به ۱۱/۶ و

زمینی از جانب هر دو طرف درگیر، از جمله خصوصیات این دوره بوده است. در این دوره، بخشی از مراکز مهم اقتصادی و صنعتی تخریب شد یا در معرض تهدید قرار گرفت.

پیامدهای سیاسی و اقتصادی پیروزی انقلاب اسلامی که موجب دگرگونی نظام سیاسی و اقتصادی گذشته گردید، در این دوره کماکان تداوم یافت. از طرف دیگر، ادامه تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی ایران توسط آمریکا و متحدان غربی آن که به دنبال تسخیر سفارت آمریکا در تهران ایجاد شده بود، بلوکه کردن ذخایر ارزی کشور در بانک‌های آمریکایی و بالاخره آغاز جنگ تحمیلی از جمله عوامل اصلی به وجود آمدن این رکود اقتصادی بود که تا سال ۱۳۶۰ نیز ادامه داشت و تأثیرات فراوانی بر فعالیت-

های اقتصادی و به ویژه بخش صنعت گذاشت. در سال ۱۳۶۰ مشکلات عمومی اقتصاد کشور همچنان فعالیت‌های بخش صنعت را تحت‌الشعاع قرار داد. سطح فعالیت‌های صنعتی به دلیل مسائل خاص خود از قبیل کمبود مواد اولیه و مواد خام وارداتی و گران بودن آن در بازارهای جهانی، کمبود و عدم دسترسی به قطعات و لوازم یدکی مورد نیاز ماشین آلات، مشکلات مالی و کمبود نیروی انسانی متخصص موجب گردید تا این فعالیت‌ها کاهش یابد.

دوره دوم: رونق اقتصادی (۱۳۶۴-۱۳۶۱)

در پی اقدامات ایران برای بازپس‌گیری مناطق اشغال شده و اجرای عملیات‌های بزرگ و موفق همچون بیت‌المقدس که به آزادی خرمشهر و مناطق وسیعی از کشورمان در خرداد ۱۳۶۱ منجر شد، بخش مهمی از مراکز اقتصادی کشور از تیررس دشمن و تهدیدهای آن رهایی یافتند و با

در سال ۶۰ به ۱۲/۴ میلیارد دلار کاهش پیدا نمود (revolution.shirazu.ac.ir).

و این برای کشوری که در سال ۱۳۵۶ صادرات نفتی‌اش ۲۰/۷ میلیارد دلار و صادرات غیرنفتی‌اش برابر ۵۲۳ میلیون دلار و معادل ۴۴ میلیارد ریال بوده است (یعنی نسبت صادرات نفتی به غیرنفتی‌اش بیش از سی و پنج برابر بوده است) و تولید کشور به شدت به ارز خارجی وابسته بوده است و واردات کالائی سالیانه‌اش ۱۴/۲ میلیارد دلار بالغ شده است، یک فاجعه اقتصادی به حساب می‌آمده است و نشانگر این است که قدرتهای جهانی درصدد بوده است که پدیده جدید و ناشناخته انقلاب اسلامی را به هر صورت ممکن مانند ایجاد شورش و بلوا در مناطق مرزی، کودتا و یا برپایی جنگ، محاصره و تحریم اقتصادی و ... از بین ببرد (همان).

در کل می‌توان بیان نمود که اقتصاد ایران در طول جنگ تحمیلی سه دوره رکود و رونق اقتصادی را تجربه کرد:

دوره اول: رکود اقتصادی (۱۳۵۹-۱۳۶۰)

رکود اقتصادی که از نیمه سال ۱۳۵۶ شروع شده بود، با پیروزی انقلاب و مشکلات داخلی و آغاز جنگ، تا سال ۱۳۶۰ ادامه یافت. با شروع جنگ، مراکز صنعتی و تجاری در جنوب غربی کشور به شدت آسیب دید یا در معرض آسیب و تهدید قرار گرفت. در این دوره، با وجود بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی، درآمدهای نفتی ایران به دلیل کاهش صادرات نفت، تنزل یافته بود. رکود اقتصادی، وضعیت نامطلوب شاخص‌های کلان اقتصادی، بالا بودن قیمت نفت، تولید و صادرات پایین نفت و کمتر از ظرفیت کشور، فشارهای سیاسی و بین‌المللی و تشدید نبردهای



رکود شدید اقتصادی، وضعیت نگران کننده شاخص‌های اقتصادی، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی، فشارهای شدید بین‌المللی، افزایش نبردهای زمینی، تشدید حملات عراق به مراکز اقتصادی و غیرنظامی، گسترش و تشدید جنگ نفتکش‌ها، حضور ناوگان جنگی قدرت‌های شرق و غرب، و درگیری مستقیم با آمریکا از خصوصیات این دوره است. فشارهای بین‌المللی نقش مهمی در این دوره داشت؛ به طوری که از یک سو ایران را از دسترسی به بازارهای معمول و ارزان اسلحه محروم کرد و از سوی دیگر، دخالت قدرت‌های خارجی و کشورهای منطقه مانع از پیروزی سریع و قاطع ایران بر عراق شد. به هر حال، بررسی شاخص‌های اقتصادی در این دوره حاکی از رکود شدید اقتصادی است که از سال ۱۳۶۵ شروع و در سال ۱۳۶۷ به عمق خود رسید، که مهم‌ترین دلیل آن کاهش بسیار شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی از آخرین ماه‌های سال ۱۳۶۴ بود (خواجه سروی(ب)، ۱۳۸۵: ۹۶).

افزون بر مشکل کاهش قیمت نفت، در طول سه سال پایانی جنگ به کرات پایانه نفتی خارک، نفتکش‌های حامل نفت ایران و کشتی‌های تجاری، مورد اصابت موشک‌ها و راکت‌های هواپیمای ارتش عراق قرار گرفت. همچنین در این سال‌ها سلسله حملات متعدد و گسترده‌ای از سوی عراق به مراکز اقتصادی و نفتی ایران و شهرها و مناطق مسکونی صورت گرفت. مراکز اقتصادی از جمله تأسیسات نفتی شیراز، تبریز، اصفهان، زرد، مارون و ... هدف حمله عراق واقع شدند. اما همانگونه که گفته شد آنچه در این دوره بر اقتصاد ایران ضربه سنگینی وارد کرد، کاهش شدید قیمت نفت و درآمدهای نفتی بود که به توقف و یا کند شدن

افزایش صادرات نفتی، درآمدهای حاصل از آن نیز افزایش یافت، لذا برخی شاخص‌های اقتصادی نشان دهنده بهبود اوضاع اقتصادی در سال ۱۳۶۱، به نسبت دوسال قبل از آن می‌باشد. رونق اقتصادی، وضعیت مطلوب شاخص‌های کلان اقتصادی، بالا بودن قیمت نفت در بازارهای جهانی، افزایش تولید و صادرات نفت ایران نسبت به سال‌های اولیه جنگ، فشار سیاسی نه چندان زیاد و رکود نسبی در نبردهای زمینی، حملات ایران به مراکز نظامی و اقتصادی عراق در جهت پاسخگویی متقابل به حملات این رژیم، دیپلماسی فعال ایران برای اعمال فشار بر عراق و البته دوره جدید حملات عراق به تأسیسات نفتی و نفتکش‌های حامل نفت ایران با هدف قطع صادرات نفت ایران، از خصوصیات این دوره بوده است. در واقع در دوره زمانی فتح خرمشهر تا فتح فاو (۱۳۶۱ تا ۱۳۶۴)، اوضاع اقتصادی ایران به دلیل درآمد‌های حاصل از فروش نفت، استفاده از ظرفیت‌های داخلی و همچنین ثبات سیاسی و اقتصادی همراه با استقرار مدیریت باثبات اقتصادی در کشور و انسجام بیشتر و خود-باوری نیروی مسلح، روبه بهبود گذاشت (اردستانی، ۱۳۸۲: ۲۶۷). اقتصاد ایران در این سال‌ها، یک دوره رونق را تجربه کرد که تقریباً تا روزهای پایانی سال ۱۳۶۴ ادامه داشت. این موضوع از زبان اقتصاددانان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی نیز مطرح شده است. حسین عظیمی در اینباره می‌گوید: تا پایان سال ۱۳۶۴ با وجود جنگ، تصویر نسبتاً موفق از اقتصاد ایران وجود داشت، به طوریکه شاخص‌های اقتصادی تا سال ۱۳۶۴ در مقایسه با شاخص‌های بعد از جنگ بهتر است.

دوره سوم: رکود اقتصادی (۱۳۶۷-۱۳۶۵)

به طور مختصر می‌توان بی‌ثباتی داخلی را متأثر از این موارد دانست: ۱- ظهور انقلاب که خود عاملی بی‌ثبات ساز در کشورهای انقلابی است؛ ۲- تفاوت نگرش بین دولت موقت و شورای انقلاب اسلامی؛ ۳- تسخیر لانه جاسوسی و تبلیغات منفی برای تخریب وجه انقلاب؛ ۴- ترور شخصیت‌های فکری، سیاسی انقلاب اسلامی ایران و تزلزل پایه‌های انقلاب؛ ۵- توطئه‌های خارجی و تلاش برای آسیب‌رساندن به بدنه انقلاب؛ ۶- بی‌نظمی و کودتاهای داخلی.

نقش رهبری امام (ره) بر ثبات سیاسی کشور

حال با بررسی بحران که ورودی سیستم می‌باشد و همچنین شناخت دلایل زمینه‌ساز ورود این بحران در کشور لازم است وارد سیستم شده و ببینیم این سیستم چگونه توانست این بحران بی‌ثبات کننده و آشوب‌ساز را دفع کند. پس از پیروزی انقلاب، جامعه هنوز متأثر از شور سیاسی و هیجانات ناشی از تغییر و تحولات اجتماعی بسیاری بوده است و همچنین اشاعه آموزه‌های مذهبی توسط نهادهای سیاسی- مذهبی در فضای ایران بستر مناسبی را برای شکل‌گیری احساسات همدلانه، میهن- پرستانه و اتحاد در بین جوانان ایجاد کرد؛ چنانچه خواجه سروی در مقاله خود تحت عنوان «جامعه‌پذیری سیاسی در نسل جوان و ثبات سیاسی در ایران» آورده است: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت نظام، صدور انقلاب و گسترش ارزش‌ها و وجهه همت قرار گرفت و نسل جوان در حد بالایی سیاسی شدند. معارضه‌های بعدی درون و بیرون نظام که سرانجام بعد از خرداد ۱۳۶۰ به تثبیت نظام جمهوری اسلامی منجر گشت نشان از آن داشت که نسل

اجرای برخی پروژه‌های مهم و ملی انجامید (اردستانی، پیشین: ۶۹). محدودیت‌های گوناگون اقتصادی ناشی از جنگ در این دوره، تولید برخی اقلام کشاورزی را در ایران از جمله گندم، کاهش داده بود. کمبود سوخت و روغن موتور برای چاه‌های عمیق کشاورزی در برخی استان‌های کشور از دلایل اصلی کاهش سطح زیر کشت تولید غلات بود. همچنین بخش صنعت نیز به دلیل عدم وجود امکان تخصیص ارز به این بخش، به شدت آسیب دیده بود.

ج) شرایط نظامی ج.ا.ایران

اوضاع نظامی ایران در سال‌های ۵۸ و ۵۹ به مراتب بدتر از اوضاع سیاسی و اقتصادی بوده است. ارتش جمهوری اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن سال ۵۷ دچار تحولات عمده‌ای گردید. زیرا ساختار ارتش متناسب با منافع شاه و اولویت‌های سیاسی آمریکا در منطقه بوده است و با آن ساختار نمی‌توانست در خدمت اهداف انقلاب اسلامی قرار گیرد. حضرت امام خمینی ضمن تأکید بر حفظ انسجام ارتش، فرصت لازم را در اختیار این نیرو قرار داد تا ساختار جدید خود را بر مبنای معیارهای ارتش مکتبی توسعه دهد، در کنار این مأموریت مهم با مشکلات جانبی دیگری مواجه بود که عمده‌ترین آنها عبارتند از: ۱- خروج کارشناسان نظامی و فرار فرماندهان نظامی به خارج از کشور که عمده فنون و تخصص‌های نظامی را در اختیار داشتند. ۲- کاهش نیروهای ارتش توسط دولت بازرگان، به طوری که در تاریخ ۱۳۵۸/۰۲/۰۹ اعلام داشت که ایران به ارتش ۵۰ هزار نفری نیازی ندارد و تعداد ارتشیان کاهش خواهد یافت (منصوری‌لاریجانی، بی- تا).



این نیروی دفاعی جدید با فرمان امام شکل گرفت. نیروهای جوان مردمی در کنار ارتش ایران که به لحاظ ماهیت قوای نظامی بیشتر جنبه دفاعی داشته است به تدریج به قدرت تهاجمی تبدیل شدند و در حقیقت نیروی جدیدی که با جان گذشتگی بی دریغ و اعتقادات مذهبی- ملی در صحنه جنگ حضور داشتند، توان نظامی دیگری را در کنار ارتش ایجاد کردند که این توان در نهاد نظامی تحت عنوان «سپاه پاسداران» شکل گرفت. امام خمینی (ره) در دوم اردیبهشت ۱۳۵۸ طی فرمانی به شورای انقلاب اسلامی رسماً تأسیس این نهاد را اعلام کردند. سپاه در دوران تشکیل، صرفاً نیروی شهری به حساب می آمد که باتوجه به شرایط خاص انقلابی در جامعه و پراکندگی قوای انتظامی، مأموریت حفظ نظم عمومی را عهده دار شده بود و در مقابل عناصر ضد انقلاب به مبارزه می پرداخت. با اوج گیری دسیسه های دشمنان و گروه های ضد انقلابی در نقاطی چون کردستان، خوزستان و گنبد، سپاه پاسداران، برای مقابله با آنها بسیج شد، خصوصاً در کردستان، هنگامی که شورش های مسلحانه در نقاط کوهستانی کردنشین متمرکز شد، سپاه به طور جدی جهت مقابله با این عناصر صف آرایی کرد. با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، سپاه پاسداران بزرگترین افتخار خود را رقم زد و با وجود همه موانع در کنار ارتش و به مبارزه علیه رژیم بعثی پرداخت (irdc.ir). این در حالی بود که ارتش عراق با تصور مقابله با یک ساختار فروپاشیده، تهاجم به خاک ایران را آغاز کرده بود و موفق به حصر خرمشهر نیز شده بود به ناگاه متوجه ظهور قدرت جدید نظامی می شود که غیورانه و بدون استفاده از تاکتیک های جنگی به مقاومت در مقابل حمله نیروهای

جوان در این مرحله هم ارزش ها را به خوبی درک کرده و هم در نهاد او جا گرفته است. مرحله ای که آغاز جنگ تحمیلی و پایان آن شروع دوران سازندگی است مرحله ای می باشد که در آن نظام جمهوری اسلامی با جنگ و در ابتدای این مرحله با بحران های متعدد داخلی روبه رو است. در این دوره نیز بر اثر وجود جنگ نهادهایی چون بسیج و مساجد توانستند ارزش های پدید آمده از انقلاب را در نسل جوان مستقر سازند. نتیجه چنین وضعیتی حفظ ثبات و کیان نظام جمهوری اسلامی از خلال یک جنگ هشت ساله بود (خواجeh سروی (الف)، ۱۳۷۸: ۲۹۶).

این باورها، اعتقادات و رفتارهای نسل پس از انقلاب که مهمترین مولفه های مقاومت و شکل گیری قدرت دفاعی جدید در ایران متأثر از سخنان امام و رهبری ایشان در آن دوران بود که در تحولات جنگ بویژه دفاع از خرمشهر نقش بسزایی داشته است. امام خمینی در آن دوران با استفاده از این شرایط و ویژگی های شخصیتی خود که در رهبری به کار می بردند این جریان را هدایت نمودند و به شکل منسجم درآوردند. برای نمونه محسن رضایی در سال ۹۲ چنین بیان می کند: «وضعیت کشور در ماه های اول انقلاب بسیار پیچیده بود. دولت هنوز مستقر نشده بود. وزارتخانه ها و نهادهای امنیتی و دفاعی هنوز شکل نگرفته بودند بر همین اساس پیش بینی می شد که حوادثی مشابه کودتا در ملی شدن نفت یا حوادث پس از مشروطه در ایران شکل بگیرد بنابراین نیروهای انقلابی دور هم جمع شدند و در مقابل توطئه هایی که ممکن بود انقلاب و استقلال ایران را زیر سوال ببرند نیروی دفاعی به وجود آوردند» (tarikhirani.ir).

قدرتی که منجر به سقوط رژیم گذشته شد، با گسترش حضور مردم در جبهه‌ها شکل گرفت. این همان چیزی بود که ارتش عراق محاسبه نکرده بود. برای اینکه عراق فقط به ارتش نظامی ایران نگاه می‌کرد و می‌دید که نه تغییر انسانی داشته و نه تغییر تجهیزات و ادوات جنگی. اما این بعد را نمی‌دید که مردم گروه گروه به سمت جبهه‌ها در حال حرکت‌اند. تا جایی که مردمی که در ابتدای جنگ به صورت دسته‌اند و نهایتاً در عملیات ثامن‌الائمه تبدیل به گردان می‌شوند، در طریق‌القدس به تیپ تبدیل می‌شوند و در فتح‌المبین و بیت‌المقدس به لشکر! از عملیات ثامن‌الائمه تا فتح خرمشهر فقط ۹ ماه است، اما در همین مدت کم، لشکرهایی از مردم تشکیل می‌شود. این را ارتش عراق اصلاً نمی‌توانست پیش‌بینی کند (tarikhirani.ir).

البته فرمان تأسیس سپاه تنها یکی از اقدامات امام جهت ایجاد اتحاد و تأسیس سازمان‌های دفاعی در کشور بود ایشان در خصوص تأسیس بسیج مستضعفین همیشه تأکید داشتند که: «مملکت اسلامی همه‌اش باید نظامی باشد و تعلیمات نظامی داشته باشد ... همه جا باید این طور بشود که یک مملکتی بعد از چند سالی که بیست میلیون جوان دارد، بیست میلیون تفنگدار داشته باشد و بیست میلیون ارتش داشته باشد ...» (همان). از دیگر تأثیرگذاری‌های امام ایجاد همدلی در جامعه و تقسیم وظایف در پشت خطوط توسط مردم برای حمایت از رزمندگان و حتی تأمین غذا، پوشاک و مایحتاج رزمندگان و سربازان که یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در ادامه جنگ بوده است. در حقیقت مقاومت مردمی در خرمشهر که منجر به فتح و آزادسازی خرمشهر از حصر نیروهای ارتش عراق گردید، نقطه عطفی

ارتش عراق و دفاع از خرمشهر پرداختند. مقاومت خرمشهر از نظر نظامی، به منزله شکل‌گیری قدرت جدید دفاعی ایران بود. همین امر محاسبات عراق را در هم ریخت و مهمترین نتیجه آن، شکست عراق در استراتژی جنگ برق‌آسا بود. بسط و تعمیق مفاهیم و روش‌های دوره مقاومت، موجب گسترش عقلانیت جدید دفاعی و در تداوم آن، موجب تبدیل قدرت دفاعی ایران به قدرت تهاجمی شد. از نظر سیاسی - استراتژیک، فتح خرمشهر نقطه چرخش در روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ محسوب می‌شود چرا که پس از آن ماهیت جنگ تغییر کرد. پیش از فتح خرمشهر، اهداف جنگ علیه ایران، ناظر بر نگرانی از پیامدهای پیروزی انقلاب بود. با فتح خرمشهر مجدداً همان نگرانی‌هایی که با پیروزی انقلاب حاصل شده بود، ایجاد شد، زیرا پیامدهای شکست عراق به منزله زلزله جدید در خاورمیانه بود و همان چشم‌اندازی که با پیروزی انقلاب ترسیم شده بود، محقق می‌شد (درودیان، ۱۳۹۳: ۳۳).

تأثیرگذاری سخنان امام خمینی و فرمان ایشان موجب گشت تا حضور نیروهای مردمی که در خرمشهر جنگ دفاعی بر پایه مشروعیت و حمایت مردمی شکل گیرد و با ظهور توان نظامی - دفاعی جدید، شرایط جنگ طولانی با مشارکت مردم فراهم شود. افسر ارتش عراق در مصاحبه خود درباره چگونگی برقراری ثبات سیاسی در دوران جنگ بویژه درگیری خرمشهر بیان می‌کند: ایشان با فراخوان مردم برای حضور در صحنه سیاسی کشور ثبات سیاسی را حفظ نمودند. پس پیروزی در جنگ حاصل‌گذار از بی‌ثباتی سیاسی به ثبات سیاسی با فراخوانی مردم بود. با برقراری ثبات سیاسی در داخل کشور به تدبیر امام، مجدداً آن



این طواغیت می‌خواهد فرو بریزد. لامؤثر فی الوجود الا الله یعنی در هستی و وجود هیچ چیزی غیر از خدا وجود ندارد. ما این را ممکن است در لفظ بگوئیم ولی امام این را یک حقیقت می‌دید و ما را با آن آشنا کرد. گرچه خودمان نمی‌دیدیم ولی عارف الهی آن را متذکر شد و می‌فرمود خرمشهر را خدا آزاد کرد» (m-doroodian.blogfa.com).

پس از فتح خرمشهر، مباحثی درخصوص اتمام جنگ در بین سران کشور و فرماندهان جنگ مطرح گردید و این در شرایطی بود که جامعه‌ی ایران درگیر تنش‌های سیاسی ناشی از فعالیت گروهک‌های سیاسی و نیروهای ضد انقلاب از یک طرف و فقدان ساختار سیاسی و نهادهای شکل دهنده آن بوده است. از طرفی حمایت دول غرب و شرق بویژه آمریکا و شوروی از تهاجم عراق و انزوای سیاسی ایران نیز بحران بی‌ثباتی در کشور را دامن می‌زده و دست-اوردهای حاصل از پیروزی انقلاب را مورد تهدید قرار می-داد. در این شرایط امام خمینی ضمن تبیین مسائل جنگ و قوای نظامی ایران و لزوم به انسجام اجتماعی با حضور مردم در صحنه و حذف نیروهای ضد انقلاب، درخصوص آتش‌بس و یا ادامه جنگ تصمیم‌گیری نمودند. باتوجه به بحران موجود برای حفظ کیان ملی در کشوری که جنگ بر آن تحمیل شده بود و از طرفی جامعه به علت استقرار نظام نوپای جمهوری اسلامی دچار آشوب‌های اجتماعی و سیاسی بود، ترجیح دادند که برای حل بحران داخلی و بین‌المللی ابتدا ثبات سیاسی را برقرار کنند، سپس مسائل و بحران‌های ناشی از جنگ را سروسامان دهند.

درودیان در مقاله‌ای تحت عنوان «استراتژی امام برای فتح خرمشهر» بیان می‌کند: «به نظر فرایند گذار کشور از یک

در تاریخ ایران بوده است که قدرت اراده‌های مردم را منصف ظهور رساند و عظمت حاصل از مقاومت و پیروزی در خرمشهر، شرایط را بر حضور قدرتمند نیروی مردمی و نظامی جمهوری اسلامی ایران در عرصه جنگ قوام بخشید، بواقع می‌توان گفت فتح خرمشهر حاصل تحولات سیاسی-اجتماعی در جامعه و برآمده از رهبری قدرتمند و مقتدرانه امام بوده است. اقتدار امام خمینی که نوعی قداست، پرهیز-گاری و قدرت معنوی برایشان ایجاد کرده بود به نوعی به قدرت رهبری وی مشروعیت مردمی بخشید. درست است که این مشروعیت هم برگرفته از سنت و هم قانون بود، اما بیشتر از ویژگی‌های خارق‌العاده و منحصر به فرد شخص امام نشأت می‌گرفته است که به تبع این اقتدار، تأثیر رهبری وی نیز در نزد مردم و برانگیختن احساسات ملی در جامعه و پایداری مردم در صحنه انقلاب و جنگ نقش تعیین کننده و تأثیرگذار داشته است.

درودیان می‌گوید: «امام بعنوان یک فقیه و عارف، رهبر سیاسی شد و متکی بر توانایی‌های ذهنی و هوش و تجربیات تاریخی، مؤلفه‌های قدرت را تبیین کرد. تبیین امام از این قدرت با انقلاب شروع می‌شود. امام می‌گوید اینکه مردم در شهر و روستا، همه یک چیز می‌گویند و هم کلام هستند، این کار، کاری الهی است و بشری نیست؛ یعنی بشر نمی‌تواند کاری کند که همه اقشار در همه جا یک چیز بگویند. دوم آنکه مردمی که تا سال‌های نزدیک انقلاب از یک پاسبان هم می‌ترسیدند، حالا جلوی تانک می‌ایستند، این هم یک امری الهی است. به فرموده امام(ره) ، نوعی تحول روحی ایجاد شده است. اینها نشان می‌دهد که دوره‌ای جدید شروع شده و این بشارتی الهی است که

را در جایگاه رهبران سیاسی ایران بگذاریم می‌توان گفت که پس از فتح خرمشهر گزینه ادامه جنگ بهترین بوده است و به نظر می‌رسد این تصمیم‌گیری در شرایطی که ایران عمیقاً درگیر بی‌ثباتی سیاسی بود، از نظر اصولی صحیح عمل شده است زیرا در صورتی که در پذیرش آتش‌بس شتاب زده عمل می‌شد علاوه بر اینکه خروج ارتش عراق از مناطق اشغالی امکان‌پذیر نبود، دستاوردهای انقلاب نیز تضعیف و کشور دچار هرج و مرج و بحران‌های جدی بیشتری می‌شد. با توجه با مستندات و بررسی‌های انجام شده می‌توان استدلال کرد که تأثیر رهبری امام خمینی یکی از مولفه‌ای اساسی و مهم در برقراری ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران بوده است که این ثبات خروجی سیستم ما می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این نوشتار این بود که پس از سقوط رژیم شاه و بی‌ثباتی حاصل از کشمکش در ساختار سیاسی قدرت، رژیم بعثی حاکم بر عراق را، که با پیروزی انقلاب اسلامی در برابر تهدیدات و فرصت‌های جدیدی قرار گرفته بود، برای تجاوز به ایران مصمم ساخت. پس از پیروزی انقلاب با وجود نهادهایی چون بسیج و مسجد ارزش‌های پدید آمده از انقلاب برای حفظ ثبات و کیان نظام جمهوری اسلامی در بین نسل جوان که در حد بالایی سیاسی شده بودند، مستقر و گسترش یافت و بدین ترتیب قدرت جدیدی در ایران ظهور کرد و آن قدرت عبارت بود از «اراده مردمی» و «نیروی مردمی». قدرتی که مبتنی بر مؤلفه‌های دینی و رهبری امام خمینی به‌وجود آمده بود.

مرحله بحرانی به مرحله‌ی ثبات سیاسی تأثیر زیادی در کسب پیروزی داشت. در این موضوع نقش رهبری امام خمینی بسیار برجسته است. اساساً امام می‌توانست دو استراتژی برای ادامه‌ی جنگ و سرنوشت کشور در آن شرایط بی‌ثباتی سیاسی که بسیاری از نیروهای درجه‌یک کشور شهید و ترور شده‌اند در نظر بگیرد. امام یا باید جنگ را به نفع ثبات سیاسی حل می‌کرد و مثلاً با عراق صلح می‌کرد و اوضاع داخل کشور را سر و سامان می‌داد که این امکان‌پذیر نبود. یا اینکه امام ابتدا ثبات سیاسی را برقرار می‌کرد و از خلال آن مشکل جنگ را حل می‌کرد. امام گزینه دوم را انتخاب کرد و با فراخوان مردم برای حضور در صحنه سیاسی کشور، ثبات سیاسی را برقرار کرد» (درو-یان، ۱۳۹۳: ۷۵).

طبق مطالبی که بیان شد و با بررسی بحران که وروری سیستم می‌باشد و اقدامات داخلی سیستم که برای دفع این بحران آشوب‌ساز و همچنین ایجاد ثبات در سیستم است در پاسخ نهایی به سوال اصلی‌مان می‌توان این چنین استدلال بنماییم که طی تحلیل رابطه جنگ ایران و عراق با ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه سیستم‌ها پیدایش جنگ، نحوه شکل‌گیری آن با نقش مردم و شکل‌گیری نهادهای نظامی و اجتماعی به عنوان بزرگترین مولفه در تداوم جنگ می‌باشد. اما این انسجام و وحدت متأثر از قدرت و رهبری امام (ره) در برقراری انسجام اجتماعی، وحدت ملی، برانگیختگی احساسات مردمی و هدایت جامعه در راستای ایجاد نهادهای جدید سیاسی، امنیتی و اجتماعی مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی، نقش اصلی و تأثیرگذاری داشته است. و در ادامه اگر خود



۳- پالمر، مونتی و دیگران (۱۳۷۲)، نگرشی جدید به علم سیاست، مترجم: منوچهر شجاعی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
 ۴- خمینی، روح‌اله (۱۳۸۵)، صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۵- خواجه سروی (الف)، غلامرضا (۱۳۷۸)، «جامعه‌پذیری سیاسی در نسل جوان و ثبات سیاسی در ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵ و ۶.

۶- خواجه سروی (ب)، غلامرضا (۱۳۸۵)، «چارچوبی برای تحلیل رقابت و ثبات سیاسی با نگاهی به تجربه جمهوری اسلامی ایران»، دوفصلنامه دانش سیاسی، ش ۳.

۷- روزنامه اطلاعات، ۱۲ آذر ۱۳۵۸.
 ۸- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۰)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

۹- کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۰- کریم‌پور، بداله (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر ایران و همسایگانش (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم تهران.

وبسایت:

۱- بی‌نا (۱۳۸۵)، «تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، قابل دسترس در سایت:

www.irdc.ir/fa/calendar/19/default.aspx

۲- بی‌نا (۱۳۸۹)، «بررسی اقتصاد ایران در دوران جنگ تحمیلی»، قابل دسترس در سایت:

www.revolution.shirazu.ac.ir/?p=3976

۳- درودیان، محمد (۱۳۹۳)، «استراتژی امام برای فتح خرمشهر»، قابل دسترس در سایت:

www.farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=26476

۴- درودیان، محمد (۱۳۹۳)، «فتح خرمشهر: مقاومت و پیروزی در جنگ مردمی»، قابل دسترس در سایت: www.m-doroodian.blogfa.com/post/40

ظرفیت جنگ طولانی و دفاعی در ایران پس از انقلاب، علاوه بر ظهور قدرت دفاعی بر پایه مشروعیت و حمایت مردمی و رهبری مقتدرانه امام(ره) شکل می‌گیرد. امام علاوه بر اینکه فقیه و رهبر مذهبی بودند با رهبری سیاسی و متکی بر توانایی‌های ذهنی و هوش و تجربیات تاریخی، مؤلفه‌های قدرت را تبیین کردند و با حضور قدرتمند مردم در صحنه سیاسی و اجتماعی که از مهم‌ترین عوامل ثبات سیاسی قلمداد می‌شوند ثبات سیاسی در کشور را برقرار کردند. در حقیقت از مباحث مطرح می‌توان نتیجه گرفت که بسط و تعمیق مفاهیم و روش‌های دوره مقاومت، موجب گسترش عقلانیت جدید دفاعی و در تداوم آن، موجب تبدیل قدرت دفاعی ایران به قدرت تهاجمی شد و فتح خرمشهر از نظر سیاسی- استراتژیک، نقطه چرخش در روند تحولات سیاسی و نظامی جنگ محسوب گردید که همه اینها متأثر از نقش رهبری در آن زمان بود و یکی از دستاوردهای فتح خرمشهر این است که نظام سیاسی که با انقلاب اسلامی استقرار پیدا کرده بود، تثبیت شده و در واقع استقرار نظام برآمده از انقلاب، برجسته‌ترین دستاورد فتح خرمشهر است.

فهرست منابع

فارسی:

۱- اردستانی، حسین (۱۳۸۲)، روزشمار جنگ ایران و عراق؛ تکا پوی جهانی برای توقف جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.

۲- امینی، مجید (۱۳۸۸)، «وضعیت اقتصادی ایران و سیاست‌های اقتصادی اجرا شده در دوران جنگ»، فصلنامه تخصصی دفاع مقدس، نگین ایرانیان، دوره ۸، ش ۳۰.



۵- درودیان، محمد (بی تا)، گفتگو با رجانیوز قابل دسترس در سایت:
www.m-doroodian.blogfa.com/post/3

۶- رضایی، محسن (بی تا)، «راهی جز ادامه جنگ نبود/ حزب توده
می خواست مجلس و صداوسیما را بگیرد»، قابل دسترس در سایت:
www.tarikhirani.ir/fa/news/30/bodyView/3598.html

